

۱۵ سال رژیم کودتا

پانزده سال از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ میگذرد. امروز دیگر در این باره که کودتای ۲۸ مرداد با عمد سنی امپریالیست های انگلیس و آمریکا، بانوظه چینی اداره جاسوسی آمریکا با مداحی بی پروای خفیه آمریکا و سایر مأموران رسمی و نیمه رسمی آن کشور، با دلار آمریکا و با دست فرومایه ترین عناصر وطن فروش ایرانی صورت گرفت نیازی به بسط کلام نیست. کودتای ۲۸ مرداد تسلط را به محمد رضا شاه فراری و حاکم یغماي ایران را به امپریالیست ها بازگردانید.

۱۲ روز پیش از وقوع این کودتا یعنی در ۱ مرداد ۱۳۳۲ رئیس جمهور آمریکا آیزنهاور در محابه مطبوعاتی با کمال بیشرمی این گفت: " لازم است دولت آمریکا برای جلوگیری از توسعه نفوذ کمونیسم در کشورهای آسیا و منجمله ایران اقدامات لازم به عمل آورد، و هم اکنون تصمیماتی برای انجام این کار اتخاذ شده است. در پی بازود راه توسعه کمونیسم را باید در آسیا محدود کرد و ما مصمم باین کار هستیم."

تصمیماتی که امپریالیسم آمریکا بضرر آزادی و استقلال ملت مسلمان میساخت از دیده روشن بیان پوشیده نبود. روزنامه بسوی آینده در ۱ مهر ۱۳۳۱ نوشت: "طراحان کودتای کسانی که از شکست مفتضحانه ۳۰ تیر هراسان شده اند، اکنون نظامی ضد ملی دیگری را برای اجرای مشغولهای حیوش علم گرفتند. این شخص سرلشکر زاهدی... است" و در روز بعد خبر داد که سرلشکر زاهدی میخواهد "با کمک جاسوسانی نظیر بقاچی و بعضی سران ارتش نقشه شوم خود را عملی سازد... مسلمانان امروز تکرار میکنند که با توقیف چند تن توطئه کودتا عقیم نمیشود، برای حاشی کردن توطئه کودتا باید با اقدامات شدید تر و وسیعتر دست زد. از یک طرف باید جبهه متحد ضد استعمار را با شرکت تمام احزاب، جمعیت ها، سازمانها و مجامع و شخصیت های مدعی مبارزه با استعمار تشکیل داد و از طرف دیگر باید به تصفیه عمیق و دامن زدن سازمانهای دولتی مخصوصاً ارتش اقدام کرد...". روز ۲۳ مهر ۱۳۳۱ سرلشکر زاهدی به دستور مستقیم عوامل جاسوسی آمریکا در ایران با انتشار اعلامیهی بر علیه دولت ملی دکتر مصدق دست زد و دیگر کارآگاهان بود که دسائس امپریالیسم آمریکا در ایران به مراحل جدی نزدیک شده است. از این جهت روز ۲۴ مهر ۱۳۳۱ که دولت دکتر مصدق با انگلستان قطع رابطه کرد روزنامه بسوی آینده به رنگ ضمن تایید این اقدام متذکر شد که "قطع رابطه با امپریالیست های انگلیس را با قطع رابطه با امپریالیست های آمریکائی توأم باید کرد". ولی چنانکه میدانیم هیچیک از این پیشنهادها (نه سرکوبی بانده فتنه انگیزان، نه تشکیل جبهه متحد وسیع ضد استعمار، نه تصفیه سازمانهای دولتی و ارتش، نه قطع ایادی امپریالیسم آمریکا) عملی نشد و امپریالیسم آمریکا ایگان یافت که کودتای ۲۵ و ۲۶ مرداد را برانگیزد. روز ۲۵ مرداد حزب توسعه ایران دکتر مصدق را از تاخته کودتا، از صدور فرمان عزل نخست وزیر، از نقشه ابلاغ حکم شاه بوسیله سرهنگ نصیری و غیره مطلع گردانید و شبانگاه با دستگیری سرهنگ نصیری نخستین اقدام کودتاگران بناگامی انجامید. شاه خیا تشکر بزرگ با تایید این عملیات میبایست در عبرتی باشد و دولت دکتر مصدق را به اعمال قهر بر ضد مرتجعان و عوامل بقیه در صفحه ۲

باز هم در باره تقویت کفدراسیون دانشجویان

کفدراسیون دانشجویان ایرانی سازمانی است توده ای و مرفی و به خاطر دفاع از منافع صنفی دانشجویان و دفاع از منبعت ملی و سوسیالیستیک میهن ما فعالیت میکند. این فعالیت بشهادت تاریخ چند ساله اخیر مت و بسا ارزتر بوده است. کفدراسیون در دفاع از منافع صنفی دانشجویان و پرورشان، در افتخار رژیم نخبت بار محمد رضا شاه، در همکاری با مبارزان راه انقلاب در ایران، در همبستگی با سازمانهای دانشجویی و سیمت های مرفی و انقلابی کشورهای دیگر بویژه کشورهای منطقه توفانها نغرشایانی ایفا نموده است. بدون شک در روز کفدراسیون نقائص احتراق نظر تضاضاتی وجود دارد که گاهگاه حدت و ایگان بروز پیدا میکنند و بد شک کفدراسیون در تاریخ حیات خود مرتب پارهای اشتباهات شده است ولی کدام سازمانیست که در آن تضاد و احتراق نظر نباشد، کدام سازمانیست که کارکنان و از اشتباه صون ماند. چیزی که تا تا امروز معرفی کفدراسیون است، اشتباهات و تضاد های روزی آن نیست، نتایج مثبت فعالیت آن است. اشتباهات را میتوان با انتقاد و ستانه مرتفع ساخت. دانشجویان خود وظیفه دارند باین کار همت کارند.

کفدراسیون دانشجویان ایرانی جزئی از منبعت نه انجمن میهن ما است. کفدراسیون مکتب اولیه مبارزه دانشجویان است مکتب است که آنها با شرکت خود در مبارزه رفته رفته پرورن و آگاه اجتماعی و سیاسی میبایند و میتوانند در کار نهجت ملی و سوسیالیستی ایران نقش مؤثری بازی کنند. رفیق مائوسه دون بدرستی میاموزد که در کشورهای نیمه مستعمره و وابسته نصیر شورما بدون شرکت روشنفکران پیروزی روشنفکران باید بمان توده هابروند. بانوده ها در آمیزش خود را در خدمت آنان فرار دهند. تنها با پرورش سیاسی صحیح و در آمیختن بانوده هاست که روشنفکران میتوانن نقش شایسته خود را انجام دهند. هرآن کس که به توده ها وادار بماند عرکز از پاسداری حقوق و منافع آنها سر میباید. از اینرو وظیفه عناصر آگاه و عناصر پیشرو محیط دانشجوئیست که در توسعه و تقویت کفدراسیون بکوشند، دانشجویان را بشرکت در کفدراسیون، به فعالیت در کفدراسیون، بشرکت در مبارزه منظره و سمینارهای آن ترغیب کنند. از کفدراسیون محیطی بسازند

کفدراسیون دانشجویان با مایل و رغبت در آن شرکت کنید و فعالیت بپردازید. محیط کفدراسیون برای عناصر پیشرو مرفی است که در آن می تواند بانوده دانشجو تما سیکند، شیوه کار در میان توده ها را سازماندهی بیاوزند، چگونه باید بانوده ها بر وجود کرد، چگونه اعتماد و شیخیاس توده ها را جلب نمود، چگونه افکار صحیح را میان توده ها برود و شعارهای صحیح را از میان توده ها بیرون کشید، چگونه به آنها آموخت و از آنها آموخت. معدنک شانی یافت میشود که از عرق کوناکون در کارش رشتند. دانشجویان در سازمانهای دانشجوئی حتی در کار موجودیت خود را - سیمون احراق و کارشانی میکنند. شیوه های بیان و استدلال آنها اثر چه بایکدیگر متفاوت است ولی همه آنها به نتیجه واحد میانجامد. از مناعت از کفدراسیون و متحد کردن در مناعت فعالیت آن است. شاید هم این شان همه از سرچشمه واحدی الهام میگیرند.

بهبانه عده های از افراد برای عدم شرکت در سازمانهای دانشجوئی - مسافران این فکرها رست را در تبلیغ میکنند - اینست که افراد انقلابی نباید در سازمانهای دانشجوئی کار کنند، باید بایران بروند، کار آنها در ایران است، در میان توده هاست (مثل اینکه دانشجویان خارج از کشور هستند در آنها به چند هزار باره میگردد هنوز توده ها نیستند) و برای آنها آنها نمیتوانند در ایران با کار انقلابی بپردازند. گویا باید از شرکت و فعالیت در سازمانهای دانشجوئی احتراز جویند و گرنه در نتر مقامات امنیت ایران شناخته بقیه در صفحه ۳

قهر انقلابی

" تجربه مبارزه طبقاتی در عصر امپریالیسم با میاموزد که طبقه کارگر و توده های زمینش فقط بزرگ تفتنگ میبایند بر طبقات مسلح بورژوازی و ملاهان پیروز گردند. باین مفهوم میتوان گفت که تعمیر جهان ممکن نیست مگر بوسیله تنگت."

بزرگ خوردن با نقائص

" همچنان که هر روز حمار خود را میشویم تا پاک بماند و برای خود را میروسیم تا کمر نگیرد خود پشندی را بسوزانیم و نقائص خود را پیوسته اشتقاق کنیم."

خیانت بخلق فرانسه

سرمایه دارانی که در بازداشت کارگران بودند شتافته آنها را با تصدیق معذرت آزاد کردند تا به گروه توطئه کران فاشیست و ضد انقلابی به پیوندند. بین کارگران و فرهنگیان حاصل شد تا جادا اتحاد آنان بزبان بورژوازی عملی کرد، از هر جانب به نخبانی دولت بورژوازی پرداختند تا جادا در زیر ضربات ناگهانی فروریزد...

ارزیابی اقدامات روزیونیستهای فرانسه را از زبان یک سخن گوی بورژوازی (روزنامه گریه در سوکرات) بشنوید. این روزنامه میگوید:

" اگر در وضعیت لحظات بحران از پیش آمد بدترین وضع ممکن جلوگیری شد بعلت نوعی همدستی بود که بطو عینی میان دولت دوگ از یکسو و حزب کمونیست فرانسه از سوی دیگر وجود داشت آیند، در نظر همگان، آنا انوکسیستند. ولی هر دو از طرف موجی انقلابی در مغر فزایدی قرار گرفتند و هر دو هر یک بشیوه خود، در صد فرو نشاندن آن برآمدند. در آنها هنگام که دولت در سکوت فرو رفته و غائب بود و در همه جا اختیاز از دست مقامات دولتی بدر رفته بود اگر فرانسه حیران و وحشت رده غر فزاید میباید بین حزب کمونیست فرانسه و راسیون عمومی نار (ب. و. م.) بود که همه همبسیار خود نشان دادند و در لیرانه از "تاج راجویان" - بعول خودشان - از چوب بقیه در صفحه ۳

پیروز باد جنگ توده های خلق قهرمان ویتنام

گازایران

در همان زمانی که موافقتنامه فروش گاز ایران بشوروی باضامی - رسید محافل اقتصادی الجزیره از نتایج آن اظهار نگرانی کردند. مقاله ۲۸ ژانویه ۱۹۶۷ روزنامه المجاهد حاکی از این نگرانی بود.

سخن بر سر آنست که گاز الجزیره که بوسیله کمیتهای بزرگ بین - المللی خریداری میشود در اروپا بفروش میرسد و یکی از منابع درآمد آن کشور است. اینک اتحاد شوروی که گاز ایران را با برزانی میخرد در بازارهای اروپا با گاز الجزیره رقابت خواهد کرد و آنرا بیرونق و با بیخبریدار خواهد گذاشت. در آن موقع برخی از نمایندگان الجزیره اظهار نظر کردند که برای شوروی که خود را سوسیالیست میدانند مدعی کمک به مالک استعمار زده است ناپسند نیست که با استقا از منابع ثروت یک کشور آسیای جنوبی موجب ورشکستگی کشور آفریقای قشاسی گردد.

اما این اعتراضات مانع آن نشد که موافقتنامه فروش گاز بشوروی با عمان شرایط معهود باضامی برسد و روزی بیست های ایران هلهله کشیدند و چراغانی کردند که برای کالای لسان ایران خریداری پیدا شده است!

اینک بیش از دو سال از امضا موافقتنامه مذکور میگذرد و اتحاد شوروی بر اساس آن با انعقاد معاملات جدیدی در عرصه اروپا دست زده است. یکی از آنها با دولت اطریش است که سابقاً از الجزیره گاز میخرید و اینک از شوروی میخرد. بسیار جالب است که بهای فروش گاز ایران به شوروی ربا بهای فروش گاز شوروی به اطریش با هم مقایسه کنیم:

طبق موافقتنامه ایران و شوروی:

نمایند و یوروژوی ۰۰۰ بقیه از ۳۰ نمایندگان خرید یوروژوی و یا یوروژوی ملی ایران بودند و بدیهی است که مجمع احزاب و جمعیت های مختلف نمیتواند مظهر طیف واحد باشد. جبهه ملی در تمام مدت حیات خود مطالبات طبقاتی خاص کارگران و زحمتکشان را مطرح نکرده، پس از آن در آن زحمتکشان در شکلی خاص آنها مانند اتحادیه های کارگری و دهقانان تیرد اخته، به اعصاب کارگری و جنبشهای دهقانی توجه نداشته است.

از جبهه ملی مورد علاقه بخشی از توده مردم قرار گرفت بانظرت بود که شعارهای ضد استعماری یوروژوی ملی ایران را مطرح میساخت و این شعارها با منافع طبقات و قشرهای زحمتکشان ایران نیز منطبق بود. ولی در دوره این شعارها جبهه ملی نمیتوانست وجه مشترکی بین خود و طبقات و قشرهای زحمتکش بیابد. در دورانی که جبهه ملی در حکومت بود ملی کردن صنعت نفت را بد رستی در سر لوجه برنامه خود گذاشت اما در همین مدت از اقدام جدی در راه بهبود وضع زحمتکشان ایران خود داری کرد و حتی مطالبات آنها را با سرکوبی شدیدی روبرو ساخت برای این مطلب میتوان چند مثال آورد:

چنین است آنکه دولت ملی در کمترین مدت سرکوبی یعنی در سال ۱۳۲۹ و واردات ایران ۴۳ میلیارد ریال و صادرات آن ۳۶۹۴ میلیون ریال بود ولی در سال ۱۳۳۲ یعنی پس از دو سال و نیم حکومت صدق و واردات تا ۵۰۳۴ میلیون ریال پائین آمد و صادرات تا ۸۳۱۸ میلیون ریال بالا رفت یعنی صادرات تقریباً دو و نیم برابر شد. این بیان معنی است که دولت در کمترین مدت با اقتصاد ایران که در دست یوروژوی ملی است خدمت کرد و موجب تعویب یوروژوی ملی ایران شد. ولی در همین مدت، تاحصر هزینه زندگی که در سال ۱۳۲۹ بیست سال ۱۳۱۵ - ۷۸۱ بود در سال ۱۳۳۲ تا ۹۱۲ بالا رفت. یعنی سطح زندگی زحمتکشان ایران تنور تری بشوروی تعویب بنیه مالی دولت که برای مقاومت در برابر امپریالیستهای امری ضروری بود در درجه اول از قبل طبقات استعمار شد. غلی میشود نه از قبل طبقات ملالو یوروژوی. اینک در روزگار حکومت جبهه ملی اغصابات متعدد روی داد و متاسفانه

بهای هر هزار مترمکعب گاز تحویل در رمز شوروی = ۶۶۵ دلار طبق قرارداد اخیر شوروی و اطریش روزنامه لووند ۲-۳ ژوئن ۱۹۶۸:

بهای هر هزار مترمکعب گاز تحویل در رمز اطریش = ۱۵ دلار

از این مقایسه ساده دیده میشود که روزی بیست های شوروی از عارت منابع ثروت کشور فقیر ما چه سود کلانی بر میآورد و در عین حال برای کشور فقیر ما باعث چه زیان گزافی میگردد.

نکته دیگری که در موافقتنامه ایران و شوروی چشم میخورد مربوط به لوله های گاز است که گاز را از جنوب ایران به رمز شوروی برساند. مجله تهران اکونومیست (۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۵) به نقل از "پترولیوم پرس سرویس" نوشته بود: "یکی از عوامل عدم توسعه صنعت گاز شوروی، شاید ناشی از لوله های درجه ۱ و عالیست. زیرا بموجب مقررات محدودیت واردات (ناتو) این قلم از اقلام ممنوع صادراتی به بلوک شرق است. . . . ولی این ممنوعیت مربوط به زمانی بود که همکاری امپریالیسم آمریکا و روزی بیست شوروی به درجه امروز نرسیده بود. امروز چون شوروی نمیتواند لوله های انتقال گاز از ایران به شوروی رانامین کند و در این صورت معامله او با رژیم محمد رضا شاه بدون اثر میماند امپریالیسم آمریکا حاضر میسر که تامین لوله های گاز را برعهده گیرد. این اقدام امپریالیسم آمریکا بقدری حائز اهمیت است که روزنامه اطلاعات (۱ مرداد ۱۳۴۶) پس از ذکر اخبار بیست و یکمیلون و هفتصد هزار لاری که بانک صادرات و واردات به ایران "برای کمک به کارخانه لوله سازی اهورا" میبرد از چنین منبسطی تمعجب خواهید کرد اگر بگوئیم این کارخانه همان است که لوله برای انتقال گاز ایران به شوروی خواهد ساخت و اصل کارخانه این آمریکا با ایران فروخته است چون آمریکا تنها کشور سازنده این کارخانه میباشد."

این نمونه روشنی است از همکاری امپریالیسم آمریکا و روزی بیست شوروی در اجرای سیاست نواستعماری در ایران.

اکتربا قوای مسلح روپوش از اینجا سرچشمه میگرفت. در عرصه بین المللی نیز جبهه ملی نظر علمی و روشنی نداشت و اگرچه با استعمار انگلستان مبارزه کرد این نگرانی در نیافت که استعمار امری اتفاقی و تصادفی و وابسته باین یا آن رجل سیاسی نیست بلکه از ماهیت رژیم امپریالیستی سرچشمه میگردد و هر دولت امپریالیستی بدون تردید دولت استعماری نیز هست. دکتر صدق در مجلس چهارم در موقع صحبت از نمایندگان انگلستان گفت "هر دولتی خوب دارد، بد دارد، بومیقیده اوژنرال لاکس مامور استعماری انگلستان بود و کتلت فرایزر و سپر پرسی لسن (وزیر وقت انگلستان در ایران) حامیان استقلال ایران بودند. بعقیده او دولت آمریکا دولتی آزادی خواه است و نمایندگان امپریالیسم آمریکا نظیر ترومن، هرسمن، مساکسی (که دکتر صدق او را برادر خود مینامید) میتوانند در مبارزات ضد استعمار خلق ایران یار و یاری باشند.

جبهه ملی در اثر ماهیت طبقاتی خود جبهه رولتاریائی جهانی را نمیتوانست و از آن احتراز میجست. دکتر صدق در مجلس شانزدهم انقلاب کبیر چین را که موجب رهایی ششصد هفتصد میلیون انسان از قید استعمار و استعمارگرید "تراژدی چین" نامید و اظهار تاسف کرد که دولت کره جنوبی (دولت مرتجع و دست نشانده آمریکا) " فدای تجار و باکونیت " شده است. بدیهی است که این گونه قضاوتها هیچ نسبتی با نظریات یوروژوی و حتی دولترایتیک ندارد.

بنابراین دلائل است که ما جبهه ملی را نماینده یوروژوی ملی ایران مینماییم. ما خدات جبهه ملی را در امر ملی کردن صنعت نفت از یاد نمیریم. ما فراموش نمیشیم که در مبارزه برضد حکومت محمد رضا شاه و اربابان امپریالیست او چون جبهه ملی و توده ای درین نبرد جاری شد. ما دریافته نیز در مبارزات ملی و ضد امپریالیستی خود بیوسه حواعتان اتحاد با مبارزان جبهه ملی خواهیم بود. ولی هیچ یک از اینها دلیل آن نیست که حاصل طبقاتی متحد خود را فراموش کنیم. مرز بین یکدیگر را برزائیم، از سیاست "اتحاد با مبارزه - اتحاد با راستیم."

پیروز باد مبارزه قهرآمیز خلق دلاور فلسطین

۱۵ سال . . . بقیه از هر امپریالیسم، به عزل محمد رضا شاه، به قطع رابطه با امپریالیسم مداخله گر آمریکا، به بسیج هر چه بیشتر توده ها و ادوار، ولی چنانکه میدانیم چنین اقداماتی صورت نگرفت و زمینه برای کودتای مجدد دست نخورده ماند.

متأسفانه حزب توده ایران در حوادث روزهای ۲۵-۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در اثر واکنش اشتباهی که در آغاز کار در شناخت جنبه ملی دولت دکتر مصدق مرتکب شده بود، از تحمل استقلال خود بیمناک شد، یکباره به یوروژوی ملی اعتماد کرد و از هرگونه اقدام انقلابی در برابر کودتاگران باز ایستاد. حزب توده ایران باید پیشبینی میکرد که ضعف و شکست ارتجاع ایران مسلماً موجب مداخلات آشکار امپریالیست ها خواهد شد (چنانکه بعد هادر مورد ویتنام، کنگو، سن دینیک و غیره دیدیم) و از این جهت حزب طبقه کارگر باید خود را برای درگیری مسلحانه طولانی ویر دامنه با قوای ارتجاع و امپریالیسم آماده کرد و این آماده کردی جز تجهیز توده های کارگر و دهقان و تدارک جنگ توده ای نیست. متأسفانه حزب توده ایران از این وظیفه خود غافل ماند و کارگردانان و دهقانان و تدارک جنگهای توده ای را جدی نکرده بود. همان اندازه نیروی را که در بین کارگران، دانشجوین و افسران داشت نیز مورد استفاده قرار نداد و به انتظار اقدام یوروژوی ملی نشست و یوروژوی ملی همنابر خصلت خود نتوانست در لحظه حساسه اتخاذ تصمیمی انقلابی دست زند.

پانزده سال رژیم کودتا بعد از ایران میاموزد که در شرایطی رژیسی هیچگونه راه مسالمت آمیزی در جلوی انقلاب ایران وجود ندارد. رژیسی را که به سوزنیزه تکیه زده است جز ناسوزنیزه نمی توان برانداخت. مضمون رهایی خلق ایران توسل به جنگ توده ای است. جنگ توده ای که نیروی عمده اش دهقانان اند، عرصه آن روستا و رهبر آن طبقه کارگر است. این راهی است دشوار و طولانی، ولی بیاموزنی است و بدون تردید توده های انقلابی ایران آنرا خواهند پیوند.

پیوند با توده ها

" مادام که بلسنویکها با توده های وسیع خلق رابطه خود را نگاه - داری میکنند شکست ناپذیر خواهند بود و برعکس کافیت که بلسنویکها از توده ها جدا شده و روابطی که با آنها داشته اند از دست بدهند، کافیت که در زیر قشری از رنگارنگ و بورژوازی بمانند تا زهر قوای محروم و به هیچ صیج بدل شوند.

یونانیان قدیم در اساطیر خود قهرمانی بنام آتس داشتند که بنا به نقل اساطیری، پدرش . . . خدای دریاها و مادرش . . . خدای زمین بود. آتس به مادر خود که وی را زائیده، شیر داده و پرورده بود دل بستگی و پیوستگی داشت. قهرمانی نبود که آتس او را معلوب نکرده باشد. وی قهرمان غلبه ناپذیر شمرده میشد. نیروی او را کجا بود؟ نیروی او در این بود که هر بار هنگام نبرد با دشمن، چنانچه به تنگی میافتاد، بزین "بمادر خود" که او را زائیده و شیرداری میگرد و نیروی تازه میگرفت، ولی این قهرمان، با وجود آن، یک نقطه ضعف داشت و آن عبارت از این بود که وی، به نحوی از انحاء، از زمین جدا گردد. دشمنانش این سستی او را در نظر میگرفتند و در کمینش بودند. سرانجام دشمنی پیدا شد که از این نقطه ضعف آتس استفاده نمود و او را معلوب ساخت. این هرکول بود. هرکول چگونه آتس را معلوب نمود؟ او را از زمین جدا کرد و سه هوا برداشت و امکان تماس با زمین را از او سلب نمود و بدین سان او را در هوا حده کرد.

کمان میزند بلسنویکها قهرمان اساطیری یونان آتس را بخاطر نشستن میاورند. آنها نیز مانند آتس از آنجا نیرومند هستند که با مادر خود با توده ها می آید. آنها را زائیده و شیر داده و پرورده است. میباید و تازمانی که با مادر خود، با ملت رابطه دارند بخت یار آنهاست که معلوب نشدنی بمانند."

استالین - نقل از تاریخ حزب کمونیست (بلسنویک) اتحاد شوروی

شاه و بختیار... بغیة از ص ۴

اکنون در داخل سازمان امنیت رقابت شدیدی بین طرفداران شاه و بختیار چشم میخورد. حاکمه معروف مواد منفجره که اخیراً در آلمان غربی جریان داشت بمحنه رسوایی طریقی این دعوا انجامید. توطئه ای که میخواست علیه جنبش دانشجویی در خارج از کشور انجام گیرد بزبان مستقیم توطئه کران تمام شد اکنون برای بسیاری از مردم آلمان غربی ماهیت سازمان امنیت ایران، در زندگی، پایوتی سازی و فساد داخلی آن روشن گردیده است. بطوریکه از جرایم مختلف این کشور بر میاید فعالیتهای غیر قانونی سازمان امنیت در داخل این کشور موجی از خشم نسبت باین سازمان پلید بوجود آورده است. محافل پلیسی آلمانی نیز که خود هم محیط مناسبی برای اینگونه فعالیتهای سازمان امنیت در کشورشان فراهم آورده اند. هرچه کوشیدند نتوانستند خشم مردم و جرایم را منتفی سازند. به عقیده ما اکثر مواقع آن است که دانشجویان ایرانی در خارج از کشور مبارزه پر دامنه ای را علیه سازمان امنیت آغاز نمایند. این مبارزات به خصوص در شرایط کنونی میتواند بشمارات فراوانی منجر گردد. در شرایط کنونی میتوان باید این مبارزه را با مبارزه در راه افشا، زندگی های اخیر رژیم، اعداها، توقیفا، شکنجه های وی که مستقیماً دستور شاه و توسط سازمان "امنیت" صورت میگردد. تلفیق داد.

ما و دهقانان

یکی از رفقای سازمانی در گزارشی که به تشکیلات فرستاده نکات جالبی درباره وضع دهقانان ایران نگاشته که ما قسمتی از آنرا بنظر خوانندگان گرامی میرسانیم:

"ستم برد دهقانان و استثمار آنها از طرف مالکین، قدرت جهانی اینها در ده تسلط اینان بر جان و مال و ناموس دهقانان، شک زدن به زندان افکندن، ارباب تجاوز به نعره زدن دهقانان که خود مسکن شاه آن بود با ما، اینها واقعیت است که هر دهقانی میبندد و حبس میکند. اما از آنجا که در تاریخ اخیر کشور ما در هیچ زمان دهقانان به عنوان عامل بزرگ و اصلی بعیان مبارزه کشانده نشده اند و همواره دست نخورده ماندند و هیچ سازمان و حزب سیاسی کار انقلابی در میان آنها را وجهت خود قرار نداده و یا عاجز بوده و یا با همت آن واقت نبوده است، خاسفانه دهقانان از نظر آگاهی سیاسی عقب مانده اند. ولی با کار مداوم و پیرو صله در میان آنها با عمل انقلابی جهت بهبود زندگی آنها قادریم روحیه انقلابی را بطور اتمل در آنها بیافرینیم. این کار آسان نیست غیر ممکن هم نیست. راه دیگری وسوسه ندارد و این راه مسلماً به مقصود خواهد رسید زیرا که دهقانان فشار را بنام وجودشان حس می کنند و ما با دادن آگاهی بآنها و رهبری آنها قادر خواهیم بود آنها را بسوی کمیت تابانیوی شکرکی که بالقوه دارند انقلاب رابه پیش بزنند."

حیانت حلیق... بغیة از ص ۱ انقلابی فاصله گرفتند؛ نگذاشتند اعتصاب که همه جا سرایت کرده بود همه گیر شود، کشور از حیث حواری و بار، گاز و برق تامین کردند بطوریکه در مدت هرب چهل و هشت ساعت ژورنالی (دبیرت. ۵. ۵. ۵۰) ت) مظهر نظم عمومی در فرانسه بود. و آنگاه که در ۳۰ مه اوضاع پر کشید، دولت بصد آمد و زمام را در دست گرفت و با انحلال مجلس به اعلام انتخابات پرداخت. حزب کمونیست بیدرنگ یک پذیرت کسه دعوای خود را با طرفداران دولت در عرصه نبرد قانونی انتخابات عمومی، در مونتاریک طی شد و حال آنکه نیروی چپ افراطی واقعی انتخابات را بعنوان انتخابات "پورژواکی" افشا میکرد و فسرید می کشید که بآمران انقلابی حیانت میشود.

فرانسوا میتران که نماینده جناح اپوزیسیون بورژوازی فرانسه است در نطق ۲۱ ژوئن بورژوازیستی و ریزوینست های فرانسه را این طور ستود:

"در این بحران خطیری کمپین آمد حزب کمونیست به هیچ عملی که جنبه قیام داشته باشد دست نزد و شایسته نیست مورد ناسزا گوئی آقای پمپیدو (نخست وزیر) قرار گیرد که می خواهد آن را سازمانی حرابکار جلوه دهد. اگر حزب کمونیست و کفدراسه سیون عمومی کار (ت. ۵. ۵. ۵۰) و کفدراسیون فد رال زحمتکشان اراده میگردند دولت از بین میرفت و خرابکاری ممکن میکردید. ولی نمایندگان طبقه کارگر فکر کردند که مصلحت کشور در این کار نیست و قانون را محترم داشتند."

آری، و ریزوینست های فرانسه به اطاعت از قانون بورژوازی دولت بورژوازی را نجات دادند و مزد آنها از طرف بورژوازی این بود که آزادانه از پشت رادو و تلویزیون دولتی برای سیاستمداری خود تبلیغ کنند و آزادانه در انتخابات پارلمان بورژوازی شرکت جویند ولی شکستی که در انتخابات بر آنها وارد آمد نشانه نخستین واکنش سیاست حیانت آمیز آنها بود. انتخابات نشان داد

آنگاه خود دانشجویان خواهند توانست مبارزه صنفی و سیاسی را بدرستی بیاورند و بیکر تلفیق دهند. البته در حرف آسان است از در آمیختن صحیح مبارزه صنفی و سیاسی سخن گفت همه کس قادر است این عبارت را بخاطر بسیار و گاه بیگانه مانند حربه ای بر سر حرف بگوید اما آنچه که دشوار است نگاه داشتن حد این دو نوع مبارزه در عمل است. این کار داناتی می خواهد تجربه می خواهد، زمان می خواهد.

ما عقیده داریم که باید به دانشجویان اعتماد کرد آنها در گذشته نزدیک در نهضت انقلابی و ضد امپریالیستی ایران نقش بارز و زنجیری ایفا کرده اند. مسلماً در آینده نیز نقش بارز خود را همچنان ادامه خواهند داد.

باز هم درباره... بغیة از ص ۱ خواهند شد و همین امکان کار را در ایران از آنها خواهد گرفت. این شیوه تفکر بهترتقیه ریسود دستگاه حاکم ایران است. امروز صدای کفدراسیون دانشجویان ایرانی صدائیت کفلیه بیدادگری شاه ورژیم اولیون است صدائی است که موقری های شاه را افشا میکند. آیا صریح کردن این صدا و خاموش کردن آن در جهت "منویات هماپونی" نیست؟ دستگاه حاکم ایران پیوسته میکوشد بخرتیبی از مبارزه دانشجویان خارج از کشور جلوگیری و در این کار هنوز توفیقی نیافته است. آیا ادامه این گونه، دلائل "همگامی یا مساعی این دستگاه نیست؟ یکسان عرض کنید که همه دانشجویان باین اندیشه "انقلابی" بپیوندند طبیعتاً نه از کفدراسیون اثری خواهد ماند و نه از مبارزه وی علیه رژیم بحاطر دفاع از ملت بحرم و ستم کشیده ایران. آیا فردی کمچین میاند بشد در واقع بقایند آرام و بیدغدغه خویش نمیاند بشد، باین نمیاند بشد کمین از حاتم تحصیل بایران باز کرد بدین آنکه سازمان امنیت مزاحم او کرد و بدیندی خود ببرد از؟

ما عقیده داریم که شرکت و فعالیت در سازمانهای دانشجویی در خارج متناسب با رختن بایران و نار انقلابی در ایران منافاتی ندارد. بله لازمه و معده آن است. اگر کسی نتواند در محیط خارج کاملاً آن بمراتب بیزیر از محیط ایران استظوری ناکند که خود را درینا هد سازمان است فرار دهد بهیقین در ایران نیز از اینکار نتواند خوا ماند. در در میان دانشجویان، لا اقل بر داشتن کامپای اولی مبارزه و راسارازان انقلابی میاموزد. امرادی که موقصفاً انقلابی میاند بشد

و بی عمل میکند حتماً باین نتیجه نمیرسد که بایز از شرکت در سازمانهای صدهای دانشجویی خود داری ورژید، برعکس.

برخی دیگر سیاست و منی کفدراسیون را هدف میگیرند. به نعر آنها گویا نادرستی سیاست و منی کفدراسیون موجب گردیده که فقط عده کمی از دانشجوین در سازمانهای دانشجویی شرکت کنند درست است که طی سالهای اخیر در ریزون کفدراسیون کاهسی مسائل سیاسی یایدی تلویزیونی مطرح شده که در شرایط کنونی نمیتوان آنها را در اثره سیاست و منی کفدراسیون کجانید. این نکهای است که باید مورد توجه دانشجویان قرار گیرد و حدود باصلاح آن ببرد ازند. اما منصرفاً اصلی این افراد از انقاد به سیاست و منی کفدراسیون در واقع این است که این سیاست و منی راد رچا رچوب معینی که مقامات معینی خوانهان آنند محدود سازند. مثلاً محکوم کردن کفدهای اتحاد شوروی به شاه و هیئت حاکمه ایران مورد پسند آنها نیست و اگر کفدراسیون در وضعنامه ای این کفدها را محکوم کند گویا از حدود سیاست و منی دانشجویی فراتر رفته است بنظر آنها کفدراسیون باید مبارزه کند که کفدی الخل شاه ایران سلاح لاجرمی سرکوب نیروهای ملی و دمواتیک را نفاذ آمریکا بلکه از انجا شوروی بخرد، بنظر آنها در شرایطی که کشورهای باصطلاح سوسیالیستی اروپا از انجا ایران و افرا ساختانوده سلطنتی تجلیل میکنند در دانشجویان ایرانی مقیم این کشورها صدای اعتراض بر نمیخیزد گویا برخلاف سیاست و منی کفدراسیون است که در آلمان آمریکا یا کشورهای دیگر تظاهراتی ترتیب دهد و وضع ایران و سیاسی شاه این دو خیم خلقی ایران را بر سر دم جهان بشناساند، و از این قبیل. اگر کفدراسیون برای این سیاست اپوزیونیستی و از حجامی کوششونا نداشته باشد کویا صخلت توده های خود را از دست میدهد بنظر ما تمام اقداماتی که علیه رژیم کنونی ایران و حامیان "سوسیالیست" و امپریالیست آن صورت گرفته در گذران چنان مبارزه ضد امپریالیستی است که هیچ فرد خلق دوست و ترفیخواه (تا چه رسد به انقلابی) نمیتواند بآن مخالفتی داشته باشد. سهمین جهت قلت اعضا کفدراسیون (اگر بفرصت چنین باشد) با حاد این سیاست و این منی وابسته نیست. یکی از عواملی که موجب میگردد دانشجویان در کفدراسیون شرکت نکنند همین نوع تبلیغات است که دانشجویان را از شرکت و فعالیت در سازمان میباند. آیا کسانی که مدعی اند که در کفدراسیون فقط اقلیتسی از دانشجویان شرکت دارند هیچگاه برای رفع این نقیصه به کوششی برحاسته اند؟

بنظر ما باید دانشجویان را بشرکت در کفدراسیون تشویق کرد، نقش کفدراسیون را در دفاع از منافع صنفی دانشجویان، در دفاع از مبارزات ملی و دمواتیک خلق ایران برای آنها توضیح داد، آنها را به مبارزه کشانید تا باین تجربه حویسر این نقش را دریابند.

محل دیدارها
X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D'ADDA/ITALY
مسابکی
CONTO 12470/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO/ITALY

توفان

روزنامه توفان بانکیه بر نیروی خود برپاست. انتشار هر شماره را این روزها نامعنا شواربهای فراوان بر سر است. هر کس که مادی شما قدمی در راه توفان بپوشد، از هر کسکی هر چه در کویا بیاشد خود داری نورزید. ما سماعاً نبعلمت وضع حاضر توفان احدثه و اعلان از طریق فادی میسر نیست. جلیق آهونان و اعانه خود و سایر رفقا در وستان را مستقیماً بحسب بانکی توفان بریزید و با از طریق دیکر ما برسانید. به پایتک شماره توفان در ایران در وریال در رتیک معادل دو ریال و در سایر کشورها معادل دو ریال است. بهیابا اشتراک سالیا توفان معادل صد ریال است.

شاه و بختیار

دو نذخیم مردم کش

چندی پیش تیمور بختیار که سالهای مدید در منصب میرعبسی برای محمد رضا شاه حد متکراری میکرد همراهمنداری اسلحه آقاچاق در بیروت بازداشت گردید. علی الظاهر بختیار هدف دیگری نداشتند است غیر از اینکه در ایران در موقع خود علیه مردم سابق خویش کودتائی راه بیاندازد، زیرا بی او جبارو شد و چون مقام "بزرگ" فرماندار ایران "را که بنا به تعریف خود اومیتواند مقامی شبیه فرماندار بزرگ هیتلر باشد، احراز نماید. البته هنوز معلوم نیست که تیر بختیار به سنگ خورده باشد. زیرا آن محافل امپریالیستی که نقشه بختیار را بوی دیده کرده اند طبیعاً قدرت آن را هم ندارند که بختیار را از زندان کشور لبنان آزاد کنند و او را با بار و بندیل جت روانه ایران سازند.

بختیار چندی قبل از بازداشت خود، جزوه ای در اروپا انتشار داد که یکجنگل مستقیماً از خون صدها نفر از فرزندان قهرمان میهن ما رنگین است، امروز به جانم از آپکشی افتاده است و از "شیوع کامل فساد در دستگاه اداری و جپاول ملت بدست یک حکومت یاقی و غیر قانونی" مینماید. کوشی خود او یکی از درنده ترین حدشکاران باین دستگاه یاقی و غیر قانونی نبوده است. بختیار در جزوه خود مینویسد که "چه شبهای دراز که نحسید" و بیاد میهن بروز آورده. "و برای بزرگی و ارجمندیش چاره اندیشی کرده" است مسلماً آن چاره ای که بختیار برای میهنش میاندیشید بی شبهات به چاره اندیشیهایی محمد رضا شاه نخوا بود و در تحلیل آخر هر دو اینها برای ایران همان چاره ای را میاندیشند که امپریالیسم بمغزشان تزییق نموده باشد.

آیا تحریک بختیار از جانب محافل امپریالیستی نشانه بی مهربی این محافل نسبت بمحمد رضا شاه است؟ تجربه مدخلات امپریالیسم در کشورهای سه قاره حاکی از آن است که امپریالیسم به بهره های کونگونی احتیاج دارد تا هر کدام از آنها را برای روز مباد ابحصنه بکشد. از جانب دیگر رقابت بین انحصارات میتواند بدانجا انجامد که گروهی از انحصارات در اثر رقابت با انحصارات دیگر خواهد آمد. بهره ای را بهره صحنه بکشد که بیش از بهره های دیگر قادر بحمايت منافع این گروه حاضر از انحصارات باشد. نظرمردم ایران در هر دو روی این حالات یکی است. ملت ایران از تمام این عوامل امپریالیسم انزجار دارد و بانام آنها مبارزه خواهد کرد. هنگامیکه امپریالیستهای کودتائی حادثان ۲۸

مردان شاه فراری را بکشور بازگردانند تیمور بختیار هم فرمان را نداند که دستگاه تیموری سازمان امنیت را بنا سازد و میباید آن سرتاسر ایران را بکوش ستانی وحشتناک میدل سازد. ناشاه دیگر ناکزیر بفرار نکرد و برای غارت امپریالیستها "محیط امن" بوجود آید. شاه پس از آنکه حمایت کامل امپریالیسم را بخود جلب کرد از ترس آنکه مباد جلا داند از قدرت فراوان خود استغناء نمایند و مقام او را اشغال کنند، زیرا بی یک آنها را جبارو کرد و جلا داد جوان تری را روی کار آورد که در اخلاص آنها تردید متصور نباشد. تیمور بختیار نیز فدای این نقشه گردید و با آنکه در استحکام پایه های رژیم محمد رضا شاه نقش مهمی را بازی کرد، بود ناکزیر گشت که جای خود را بمیرغضب های جدیدی بسیار. اکنون بختیار بحیال خود میدوهد از محمد رضا شاه انتقام بکشد او در طی چندین سال اقامت در غرب موفق بجلب حمایت یارهای از محافل انحصاری گردیده است. او بارها کوشش کرد مبارزات مردم ایران را علیه دیکتاتوری محمد رضا شاه بخسباند. در همین اواخر نیز بشیرمانه مدعی گردید که گویا مبارزات درحشان دانشجویان ایرانی در هنگام اقامت شاه در آلمان در "تحت رهبری او" صورت گرفته است. این ادعا حتی همکاران خود او را به نیش خند وادار میکند. بقیه در صفحه ۳

استنعمار جمعی ایران و انقلاب ایران

هنگامیکه قرارداد حادثان با شورسوم به تصویب مجلس رسید وزیر دارائی ایران در ستایش چنین قراردادی بزبان "دیپلماتیک" گفت: اینک چون امپریالیسم آمریکا و انگلستان هر دو در غارت نفت ایران سهیمند دیگر بر رقابت با یکدیگر برنمیخیزند و "بحیال ایجاد نفوذ سیاسی در داخل کشور" خواهند افتاد. اشاره وی به تضاد شدیدی بود که پس از جنگ و بخصوص در سالهای ۱۳۲۸ - ۱۳۳۰ بر سر نفت ایران میان دو امپریالیسم آمریکا و انگلستان بوجود آمد و مورد استفاده نیروهای ملی و دموکراتیک قرار گرفت و در دوران معینی هیئت حاکمستی ایران را سخت تکان داد. وزیر دارائی با این گفتار خود اظهار امیدواری میکرد که از این پس سلطه مشترک و ضد امپریالیست های آمریکا و انگلستان ضامن استقرار فرمانروائی طبقات عارتزکار ایران باشد. میر اثر همین امیدواری بود که رژیم کودتا هر روز به تضاد امپریالیست های غارتگر ایران و به مقیاس امتیازات واکداری سه آنها افزود و کشور ما را بصورت نمودار بارز استعمار جمعی در آورد.

ولی این حساب حام طعمانه محمد رضا شاه و رژیم او با قوانین دنیای امپریالیسم نمیخواند. هر اتحاد امپریالیستی مبنی بر منافع عارتزکارانه خمدان و محصول تناسب قوای آنها در لحظه معین است و چون تناسب قوایر حسب تکامل ناموزون اقتصاد و سیاسی تعیین میزند بر تضاد های هر اتحاد امپریالیستی در یا زود بتلاشی آن منجر میگردد. رقابت سیاسی امپریالیست ها با یکدیگر بطوری ارتضاد اجتناب ناپذیر از اقتصادی آنها با یکدیگر است که نخست حقیقتاً وسیع شد و در بظهور میسرند. در کشور ما نیز چنین است.

در کشور ما امپریالیسم آمریکا به علت تاثیر جهانی خود به علت تقویتی که در صنایع نفت ایران دارد، به علت نفوذ بزرگ مالی خود در اقتصاد و دستگاه دولتی ایران، به علت وزنه مهم خویشی در بازار گانی خارجی ایران، به علت وجود مستشارانی که در موسسات مختلف دولتی و ارتشی ایران گماشته دارای موقعیت متفاوت است و طاهراً سایر امپریالیست های شریک خود در در حالت صلح و آرامش و اطاعت نگهداشته است. اما همچنانکه تضاد های بین امپریالیست ها همیشه بین برخی از آنها و امپریالیسم آمریکا در عرصه جهان روز بروز شدیدی تر میشود، در عرصه ایران نیز تضاد مذکور رو به شدت است و بتدریج که مواضع برخی از امپریالیست ها در زمینه اقتصاد و سیاست جهان و نیز در زمینه اقتصاد و سیاست ایران تقویت میشود تضاد آنها با امپریالیسم آمریکا قوت میگیرد. هم اشون آثاری از این تضاد در موارد مختلف بچشم میخور و باید منتظر بود کبیه مانورهای سیاسی امپریالیست ها بر علیه یکدیگر بیکری انجامد.

رژیم کودتا رویزونیست های شوروی و غیره نیز در اقتصاد عارتز زده ایران سهمی دارد تا التهاب آنها را فرو نمانند و همگاری آنها با امپریالیست ها در قلمرو ایران مصداق بخشد و این طریق عامل جدیدی برای تضمین "ثبات" خویش بشناسد. اما بدون تردید همکاری رویزونیست ها با امپریالیست ها که هر دو گروه با خلق ایران در تضاد آنتاگونیستی اند موجب رقابت هائوتضاد های جدید خواهد شد که طبیعتاً در هیئت حاکمه ایران نیز انعکاس خواهد یافت.

نگه دیگری که محمد رضا شاه را به استعمار جمعی امیدوار ساخت این بود که هر چه تعداد امپریالیست های غارتگر ایران زیادتر باشد تعداد امپریالیست هایی که از رژیم مبین فروش او در برابر انقلاب مردم حمایت کنند بیشتر خواهد بود. موافقتنامه نظامی راهزنانه ای که رژیم محمد رضا شاه در اسفند ۱۳۳۷ (مارس ۱۹۵۹) با دولت آمریکا در باره "امنیت جمعی" منعقد ساخت میگوید که تجاوز بر دو نوع است: تجاوز مستقیم و تجاوز غیر مستقیم، تجاوز غیر مستقیم همانست که چند ماه بعد در اکتبر ۱۹۵۹ نماینده آمریکا در جلسه نخست وزیران پیمان سنتسو آنرا "خوابکاری کمونیسم بین المللی در داخل کشور" نامید یعنی "انقلاب مردم". نماینده آمریکا گفت که این "تجاوز"

رای شورهای نظیر ایران بزرگترین خطر است. این خطر را محمد رضا شاه با پوست و گوشت خود احساس میکند و در آرزوی جلوگیری از آن بر مواضع نامنظمنی نظیر موافقتنامه مذکور صحنه گذاشته است تا هر گاهی چنین خطری تخت و تاج لرزان وی را تهدید کند امپریالیسم آمریکا بر حسب درخواست وی حق "استفاده از نیروی نظامی" در کشور ما داشته باشد. اشون توقع محمد رضا شاه از استعمار جمعی ایران اینست که در صورت وقوع انقلاب در کشور ما منافع امپریالیست های که بدستاری او در عارتز مبین ما در نفع شده اند خود بخود آنها را وا دارد که بمنظور سرنوشت خلق وارد عمل گردند.

از اینجا چه نتیجه میشود؟ نتیجه میشود که انقلاب ایران باید خود را نه فقط برای مقابله با رژیم محمد رضا شاه بلکه برای مقابله با مداخلات امپریالیستی آماده گرداند. تجربه ویتنام، شکوستن دو مینیک و غیره مؤید این مطلب است. رژیم محمد رضا شاه را که به انواع سلاحهای امپریالیستی و رویزونیستی مجهز است، مورد پشتیبانی امپریالیست ها و رویزونیستها است، مستطهر به مداخلات مسلحانه ضدین خویش است. فقط در طی جنگ توده های طولانی که روز به روز بر سبزه های خلق بیافزاید و از نیروهای دغمان بگاهد میتوان از پای در آورد. از اینجهت در "طرح وظایف مردم و فوری مارکسیستها - لنینیستهای ایران" بر اساس آموزش رفیق ماگوتسه دین گفته شده است: "راه هر آمیز انقلاب ایران از جنگ توده های طولانی میگردد. عرصه این جنگ روستا است. انقلاب ارضی پایه آنست. دهقانان نیروی عمده آنند."

نهایینده بورژوازی ملی

گاهی برخی از دوستان میسرند و حتی اصرار میکنند که چرا ما به راهی از انحصار و یاجمعیت ها، و از آن حمله حبه ملی ایران، را نمایندگان بورژوازی ملی مینامیم. بنسرای دوستان بگارد بر این اصطلاح مد نظر دارد دوستانهای سیت.

ولی منظور ما از استعمال اصطلاح "نمایند بورژوازی ملی" فقط بیان واقعیت اجتماعی است. ما بورژوازی ملی را در جزو نیروهای انحصاری ایران می شماریم و جلب دوستی و اتحاد او را در مبارزه من وجه امپریالیستی وظیفه خود میدانیم. اما در جامعه ما همه جوامع طبقاتی، عر شخص و هر جمعیتی در همه حال بدموان وابسته و نماینده طبقه معینی عمل میکند. ادعای اینکه شخصی یاجمعیتی مافوق طبقات است جز تریب مردم و کشاند آنها بصورتی از طبقات غیر حتمکن نمیتواند نتیجه دیگری داشته باشد. برای آنکه در آرایش قوای اجتماعی اشتباه نکنیم باید در روش سازیم که هر کسی و هر جمعیتی نماینده کدام طبقه است. نماینده هر طبقه، کسی و جمعیتی است که از منافع آن طبقه دفاع میکند.

حزب طبقه کارگر نماینده طبقه کارگر است زیرا که از منافع این طبقه دفاع میکند و ایدئولوژی آنرا در بکار میبرد. البته منافع طبقه کارگر در هر مرحله از انقلاب منافع طبقات دیگری از اجتماع مشترک است و حزب طبقه کارگر میتواند در هر مرحله از آن رهبر طبقات مذکور نیز باشد. ولی در همه حال بعنوان نماینده طبقه کارگر عمل میکند. یعنی در هر جا که منافع طبقات دیگر با منافع طبقه کارگر در تضاد است وی دفاع از منافع حاصر طبقه کارگر را بر میگزیند.

حبه ملی نماینده بورژوازی ملی ایران است زیرا که از منافع این طبقه دفاع میکند و ایدئولوژی آنرا در بکار میبرد. البته منافع بورژوازی ملی در مبارزه بر ضد امپریالیسم با منافع طبقات رزمین ایران مشترک است و از این جهت حبه ملی میتواند در این مبارزات در رأس طبقات مذکور قرار گیرد. ولی در همه حال بعنوان نماینده بورژوازی ملی عمل میکند. یعنی در آنجا که منافع طبقات دیگری با منافع بورژوازی ملی در تضاد است وی علی الاصول دفاع از منافع حاصر بورژوازی ملی را بر میگزیند. حبه ملی در حیووت وسعت و قدرت خود از احزاب و جمعیت ها و شخصتهایی تشکیل میشد که عملاً بقیه در صفحه ۲